



۲۰۱۸/۱۱/۲۱

ملالی موسی نظام

یادی از مرجان دختر اصیل افغان



کی رفته بی زدل که تمنا کنم ترا کی گشته نهان که پیدا کنم ترا

دوست عزیز و مهربانم، فریده جان باز هم سلام برسد،

دیشب زمانیکه به سراغ درد دلی که به مناسبت تولد مرجان عزیز نگاشته بودی، رفتم به این باور شدم که:

گویند که سنگ لعل شود در مقام صبر آری شود و لیک به خون جگر شود

امروز هم که با تو صحبت هایی داشتم، به این باورم که هر روز در ماتمکده ای به نام افغانستان چه مرجان های نازنینی در خاک و خون مطیند، چه مادر های زخمی و پدر های در آتش و دود سوخته، اندام ظریف جگر گوشگان دلبنده را که چشم از زیبایی ها و زشتی های این جهان بسته اند، تقدیم خاک سرد مینمایند.

بلی در هر گوشه سرزمین ما جوی خونی در کنار آتشی مذاب در جریان است و دردا که هزاران پیر و جوان و کودک، غرق در آن.

با خیره گشتن به تصاویر حادثه اخیر و کشتار نهایت دد منشانه در روز مولود سرور کاینات، پیغمبر اسلام، از خود پرسیدم که آیا اگر مرجان عزیز که در طول حیات با قلبی از آئینه پاکتر آنقدر عاشق افغان و افغانستان بود، چنین کشتار های پی دپی و سلاخی های سبانه را مشاهده مینمود، مگر در بیچارگی و استیصال صد بار نمی مرد؟! مگر در چنین دوزخی از پامال بشریت، صلح و سلم اسلام واقعی را میشود یافت؟!!

آنچه را در چنین روزی بیاد می آوریم، شخصیت والا مقام یک دخت افغان است که در جوانی و قبل از هجرت ازین جهان فانی، با شهامت بینظیر و سپری نمودن سالهای حیات را در خطرناکترین نقاط مادر وطن، بزرگترین وجیبه یک هموطن اصیل و وطنپرست را در آنچه بجا آورد پیشکش جامعه ویران خویش نمود تا نسل های ما از آن بیاموزند و پا در جای پای مقدس و نهایت آموزنده وی بگذارند.

به ارتباط به مضامین تحلیلی و تحقیقی ای که مرجان عزیز به یادگار گذاشته و خود در نهایت امانت داری برای تکمیل وجیبه ملی وی، ترجمه آنرا ولو، با خاطر غمگین، ولی با شهامت و توانایی بر عهده داری، ممنون از صفحات و بسایت ملی آریانا افغانستان آنلاین که آثار گرانبهای مرجان را صبعه جهانی میسازد و تهنیت بر دوست دانشمند و حساس ما محترم حمید جان انوری که چنین وجیبه مهمی را جلا میبخشد.

در ماه سپتمبر گذشته که به دیدارت و زیارت مرجان عزیز آمدم، در پهلوی آثار تحقیقی و خاصی که مرجان در سال های زیادی با مسافرت ها و اقامت در اقصی نقاط وطن عزیز متحمل گردیده بود، با شگفتی از نشر نوشته های اکادمیک قابل قدری در مطبوعات فرانسه که زیب و زینت کتب و رساله های ارزشمند کتاب خانه های متعدد گشته بودند هم واقف گردیدم و به روح پاک آن دخت متعهد و نازنین افغان درود فرستادم. جای قدرمندی است که با ترجمه چنان آثاری از منابع معتبر آنان هم با مجوز ترجمه آنها، وجیبه ملی و مهم دیگری را روی دست داری. در خاتمه از بارگاه الهی روح مرجان عزیز را شاد و یادش را گرامی و جاودان میخوام.

گلچین روزگار عجب خوش سلیقه است میچیند آن گلی که در عالم نموده است

تصویر بالا، زمانیکه به زیارت مرجان و دیدار دوست عزیزم مسافرتی نمودم.

پایان

